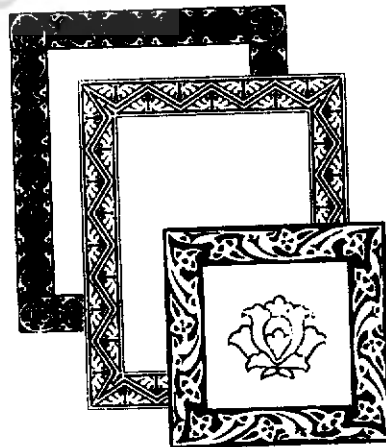


# تجوید، آواشناسی و فونتیک

محمد حسین ملک زاده



به طور کلی هر زبانی دارای یک سلسله قواعد دستوری و مقررات مربوط به تلفظ صحیح کلمات و حروف آن زبان می باشد. حتی لهجه های گوناگون نیز از این قاعده مستثنی نیستند. گویندگان، سخنرانان، خوانندگان، اساتید، معلمان و تمامی کسانی که به سخنوری مشغولند و می خواهند مطلبی را بگویند برای اینکه تأثیر کلام خویش را در شنونده بیشتر نمایند، ناگزیر از به کارگیری این قوانین و قواعد می باشند. علاوه بر این با گسترش ارتباطات بین ملل و اقوام مختلف بشری، آدمی شروع به فراگیری زبانهای غیر از زبان مادری خویش نمود. در این مسیر افزون بر تطبیق واژه ها و لغات زبانهای دیگر با زبان خویش و پیدا کردن کلمات مترادف و اصطلاحات جایگزین گویش خود در گویشهای دیگر، لزوم اینکه با لهجه و طرز بیان حروف و کلمات آن اقوام آشنا شود را نیز احساس کرده، یعنی علمی که مکمل مباحث معانی لغات، صرف، نحو و کلاً مسائل دستور زبان باشد. زیرا مثلاً وقتی یک پارسی زبان می خواست «طین» (به معنای گل) را به یک عرب زبان بگوید، با اینکه این کلمه عربی است اما چون حرف «طاء» را نمی توانست به شکل عرب زبانها تلفظ نماید. به شکل «تین» (به معنای انجیر) بیان می کرد. و از این دست مثالها بسیار در زبان عربی پیدا می شود.

و این خود مشکلی بود در راه تفهیم مطالب و گفتگوی بین افراد با زبانها و گویشهای مختلف. شاید همین امر بود که دانشمندان را به تدوین علمی و ادار ساخت که از آن در فارسی با عنوان «آواشناسی» یاد می کنیم.

همین دانش در انگلیسی با نام «فونتیک» (phonetic) و در عربی با عنوان «تجوید»<sup>(۱)</sup> شناخته می شود.

«تجوید» از نظر لغوی مصدر باب «تفعیل»، مترادف کلمه «تحسین» و به معنای نیکو گردانیدن، نیک گفتن و در نتیجه

۱- در اینجا معنای عام تجوید مدنظر قرار گرفته است.

برتری): ۷ حرف ۶ - استفال (پست شدن): ۲۱ حرف ۷ -  
 اطاق (منطبق کردن): ۴ حرف ۸ - انفتاح (باز شدن): ۲۴  
 حرف ۹ - اصمات (مانع شدن و سنگینی در ادا): ۲۲ حرف  
 ۱۰ - ازلاق (تیزی زبان و روانی آن): ۶ حرف

البته علما صفت دیگری نیز علاوه بر این ۱۰ صفت در  
 صفات اصلی قائلند به نام صفت تومتط که حالتی است بین  
 صفات شدت و رخوت و پنج حرف دارای این صفت  
 می‌باشند.

برای صفات فرعی یا همان صفات غیر متضاد، تعداد  
 مشخصی که مورد اتفاق نظر همه باشد، مطرح نشده است، اما  
 اسامی تعدادی از این صفات عبارت است از:

۱ - قلقله (ضغفه) ۲ - صغیر ۳ - تکویر ۴ - تفسی.  
 ۵ - استطاله ۶ - لین ۷ - نبره ۸ - غنه ۹ - بجه ۱۰ - خروره.  
 ۱۱ - انحراف ۱۲ - هاوی ۱۳ - نفت ۱۴ - نفخ ۱۵ - سکون و...  
 صفات حروف فواید زیادی دارند و از آن جمله می‌توان  
 به این مورد اشاره کرد که دو حرف متحد المخرج یا قریب  
 المخرج فقط به وسیله صفات خود از هم دیگر متمایز و  
 مشخص می‌گردند. و اگر در صفات نیز با یکدیگر متحد  
 باشند، دیگر آنها دو حرف نیستند بلکه تکرار یک حرف  
 می‌باشند (حروف متماثلین). مانند دو حرف «سین» و «زاء» که  
 اگر صفت جهر در حرف زاء نبود، «سین» می‌شد.

و مورد آخر احکام حروف (مستحققات حروف)  
 صورت‌هایی هستند که حرف در ترکیب با حروف دیگر در  
 کلمات و یا به خاطر داشتن حرکات گوناگون، پیدا می‌کند و  
 این احکام از صفات لازمه حروف منشأ می‌گیرند. مثل احکام  
 نون ساکنه و تنوین که هرگاه حرف نون ساکنه یا تنوین به  
 حروف «حلقی» برسد اظهار، به حروف «یرملون» برسد  
 ادغام، به حرف «باء» برسد اقلاب و به حروف «مابقی» برسد  
 اخفا می‌گردد. و مسلماً تسلط بر این مباحث (مخارج، صفات  
 و احکام حروف) احتیاج به شناخت حنجره، تارهای صوتی،

زینت دادن به کلمات و حروف، آمده است. و در اصطلاح  
 دانشمندان این علم عبارت است از: «مجموعه قواعدی که  
 موجب ادای حروف به طرز صحیح می‌شوند».

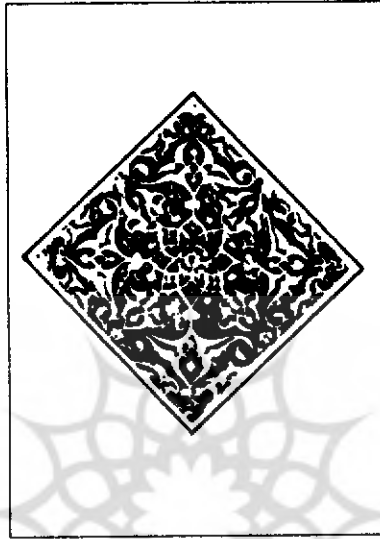
خود «تجوید» در زبان عربی به سه بخش اصلی، یعنی:  
 مبحث مخارج، مبحث صفات و مبحث احکام حروف،  
 تقسیم می‌شود. مخارج حروف عبارتند از: «محل‌هایی از  
 دستگاه تکلم که حروف از آن جاها خارج شده و ادا  
 می‌گردند». به طور مثال می‌گویند: مخرج حرف «عین» از حلق  
 است، زیرا «عین» از حلق ادا می‌گردد. در بحث مخارج  
 حروف این‌گونه بیان می‌گردد که حروف بیست و هشتگانه  
 عربی از ۱۷ مخرج و پنج موضع<sup>(۱)</sup> خارج می‌گردند. آن  
 مواضع پنج‌گانه عبارتند از: ۱ - موضع جوف ۲ - موضع حلق  
 ۳ - موضع لسان ۴ - موضع شفتین ۵ - موضع خیشوم. در تقسیم  
 بندی دیگری که در ارتباط با تقسیم بندی بالا نیز می‌باشد  
 حروف را به ۹ گروه به نام‌های: ۱ - حروف حلقی (۶ حرف) ۲  
 - حروف لهوی (۲ حرف) ۳ - حروف شجری (۳ حرف) ۴ -  
 حرف ضرسی (۱ حرف) ۵ - حروف ذولقی (۳ حرف) ۶ -  
 حروف نطعی (۳ حرف) ۷ - حروف اسلی (۳ حرف) ۸ -  
 حروف لثوی (۳ حرف) ۹ - حروف شفوی (۴ حرف) تقسیم  
 می‌کنند؛ که این اسامی برگرفته از نام محل‌های خروج حروف  
 می‌باشند.

و مورد دوم یا صفات حروف (حقوق حروف)، منظور  
 حالت‌های مختلفی است که حروف گوناگون به صورت  
 انفرادی و بی‌آنکه در بین کلمات قرار گیرند، دارا می‌باشند.  
 مثلاً در هنگام تلفظ برخی حروف، بخشی از سطح زبان با  
 سقف دهان منطبق می‌شود (صفت اطاق) اما در بعضی دیگر  
 بالعکس، سطح زبان در حین ادای آنها از سقف دهان دور شده  
 و گسترده می‌گردد (صفت انفتاح) به طور کلی صفات حروف  
 به دو گروه اصلی (صفات متضاد) و فرعی (صفات غیر  
 متضاد) تقسیم می‌شوند. صفات اصلی، ۱۰ صفت بوده و  
 اسامی آنها عبارت است از: ۱ - جهر (آشکار بودن): ۱۸ حرف  
 ۲ - همس (مخفی بودن): ۱۰ حرف ۳ - شدة (قوت): ۸  
 حرف ۴ - رخاوة (سستی): ۱۵ حرف ۵ - استعلا (میل به

۱ - این قول مشهورتر است. برای آشنایی با اقوال دیگر رجوع شود به کتاب  
 النشر، ج اول، ص ۱۹۸.

خویش<sup>(۲)</sup> می‌نویسد:

وقتی در شرح آیه شریفه «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا»<sup>(۳)</sup> و معنای «ترتیل» از مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین و امام‌المتقین حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) سؤال شد، ایشان فرمودند: «التَّرتیل تجوید الحروف و معرفة الوقوف» و استنباطی که بنده از این مطلب می‌کنم این است که چون «رَتَّل» فعل امر بوده و ذات اقدس احدیت در واقع امر به خواندن قرآن به صورت ترتیل فرموده است، و ترتیل نیز طبق حدیث یاد شده به معنای رعایت تجوید حروف و شناخت محل‌های وقف در قرآن می‌باشد، پس در اصل، خداوند بزرگ رعایت تجوید را در کنار یادگیری علم وقف و ابتداء به ما امر فرموده است، و این خود نشانگر عظمت و اهمیت این علم شریف می‌باشد.



طرز کار آنها، شناخت دندانها، اسامی آنها، تعدادشان، نوع حرکات زبان، شناخت زبان کوچک، فضای دهان، بینی و به‌طور کلی شناخت کامل دستگاه تکلم دارد.

توجه به این مطلب لازم است که دانش «آواشناسی» جدید، بسیار گسترده‌تر از این به طرح مسائل می‌پردازد. در این علم به صورت کامل، تمامی صامت‌ها و مصوت‌ها، یعنی

هجاها، حرکات و صداها و هر مسأله تجویدی ریزی، خیلی دقیق مورد بررسی قرار گرفته و ریشه یابی می‌شود. علم تجوید، علمی است که باعث صیانت حروف و کلمات از دست‌خوردگی و بیان نادرست آنان می‌گردد، که اگر آنرا تنها در رابطه با قرآن - که شیواترین، فصیحترین و کاملترین سخنان و مطالب است - در نظر بگیریم، می‌شود گفت رعایت قواعد تجویدی یگانه راهی است که می‌تواند انسان را به قرائت صحیح و

قرآنی شبیه به قرائت هنگام نزول آن و شکل اولیّه و اصلی خواندن آن نزدیک گرداند.

البته باید توجه داشت که علم تجوید (آواشناسی زبان عرب) در میان عرب زبانان از زمان نزول قرآن به وجود نیامده است بلکه اصول این علم خیلی قبل از اسلام و همزمان با پیدایش زبان عربی، شکل گرفته بود. اما پس از آمدن اسلام و نازل شدن قرآن از طرف خداوند تبارک و تعالی به توسط جبرئیل امین و یاسی واسطه به شخص حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله)، به جهت اینکه این کتاب شریف به زیبایی هرچه تمامتر خوانده شود و با سفارشات مکرر پیامبر (صلی الله علیه وآله)، مسلمانان برای قرائت قرآن بیشتر به این علم پرداخته و این دانش یعنی تجوید قرآن را رونقی خاص بخشیدند.

البته تشویق به قرائت قرآن به شکلی نیکو و با رعایت تجوید، در کلمات ائمه معصومین (علیه السلام) نیز زیاد به چشم می‌خورد؛ آنچنان که مثلاً علامه ابن‌الجزری<sup>(۱)</sup> در کتاب

در اینجا یادآوری این نکته نیز ضروری می‌نماید که در اصل، تجوید قرآن زاینده علم قرائت قرآن می‌باشد.

صاحب کتاب تجوید جامع<sup>(۲)</sup> در قسمتی از این کتاب آورده است:

نخستین کسی که در علم قرائت، کتاب نوشت و آن را مدوّن ساخت، ابوسعید ابان بن تغلب کوفی مقری است، زیرا محمد بن اسحاق معروف به ابن ندیم در کتاب الفهرست<sup>(۵)</sup> در شرح حال ابان

۱- علامه «حافظ ابوالخیر محمد ابن محمد دمشقی» مشهور به «ابن الجزری» متوفای سال ۸۳۳ قمری، از علمای مشهور علم قرائت است که از اعتبار خاصی بین اهل اداء برخوردار است و در اغلب کتب متأخرین به نظرات او استناد شده است.

۲- النّشر فی القراءات العشر، ج اول، ص ۲۰۹.

۳- سورة مبارکه مَزَّل، آیه ۴.

۴- ابراهیم پور فرزیب (مولایی)

۵- ص ۳۰۸.

علاوة علم تجوید، حروف مخصوصی برای ضبط زمزمه یا قرائت کتب مذهبی داشته‌اند. اولین علمی که به تقلید عادات مذهبی قدیم به عربی ترجمه شده علم تجوید است. حقیقت این است که کلمه «جاد» (ریشه تجوید) معرب «گات» می‌باشد؛ یعنی خواندن با آهنگ.

تجوید یکی از سخت‌ترین علوم عملی است و اگر کسی سنّ مقتضی و استعداد موسیقی نداشته باشد، هیچ وقت موفق به فراگرفتن آن نمی‌شود.<sup>(۵)</sup>

همان طور که ملاحظه شد نویسنده در انتها اشاره به سختی علم تجوید نموده است و البته این موضوع تا حدود زیادی صحیح بوده و علمای علم تجوید سالهای زیادی از عمر خویش را در راه کسب این دانش مصروف می‌داشته‌اند و هم اکنون نیز این طریق، پویندگان بسیاری دارد که با شور و اشتیاق، سعی در فراگیری این علم دارند. و می‌خواهند تا کلام الهی را با آهنگی خوش و بیانی صحیح و استوار و درخور شأن و منزلت قرآن، بخوانند.



یکی از تألیفات وی را کتاب «القراءات» به شمار آورده است. او از فقهای بزرگ و صحابه جلیل القدری است که محضر امام علی بن الحسین و صادقین (علیهما السلام) را درک و از ایشان روایت کرده است. در فضایل أبان همین بس که «امام محمد باقر (علیه السلام)» به او فرمودند: «برو درون مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده، زیرا دوست دارم در میان شیعیانم مانند تویی را ببینم.» و حضرت صادق (علیهم السلام) بعد از فوت وی فرمودند: «به خدا قسم مرگ أبان قلب مرا به درد آورد.»<sup>(۱)</sup>

همچنین در کتاب طبقات القراء<sup>(۲)</sup> گفته شده است که:

اولین شخصی که علم تجوید را تدوین نموده و به رشته تحریر درآورد «ابو مزاحم موسی بن عبیدالله بن یحیی بن خاقانی بغدادی مقری»، متوفای سال ۳۲۵ هجری قمری است که از بزرگان اهل سنت و از علمای قرن چهارم می‌باشد. وی محضر اساتید بزرگی را در زمینه قرائت درک کرده است و قصیده خاقانیّه او در علم تجوید، توسط عده‌ای از علمای علم قرائت شرح شده است.

در پایان این سطور به ذکر مطلبی در مورد پیدایش و اهمیت علم تجوید از کتاب «تهذیب القرائه»<sup>(۳)</sup> به نقل از کتاب «دبیره»<sup>(۴)</sup> که در تفسیر «پرتوی از قرآن» آورده شده می‌پردازم:

از چندین قرن پیش از میلاد در ایران و هند ادعیه و سرودهای مذهبی را با زمزمه یا آهنگ می‌خواندند. این طرز خواندن را مردم این دو کشور از پیشوایان دینی خود با علاقه‌مندی بسیار می‌آموختند، زیرا عقیده داشتند که اگر سخنهای مقدّس، با تلفظ صحیح قدیمی و زیبای خود ادا نشوند، تأثیری ندارند و این عقیده و عادت به همان روش دیرینه خود در کنار بتکده‌ها و صحن مسجدها معمول بود. قبل از اسلام در ایران به

۱- امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲- ج ۲، ص ۳۲۱.

۳- پور فرزیب، ابراهیم، ص ۱۵.

۴- ذبیح الله، بهروز.

۵- طالقانی، محمود، ج ۱، ص ۵۴.